سال هشتم 94-95

بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج اصول استاد سید جواد شبیری

13/7/94 امارات معتبره - دلیل انسداد - مقدمات

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و لعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

**دلیل انسداد**

بحث در مورد دلیل انسداد بود. در دلیل انسداد مرحوم آخوند فرموده بودند دلیل انسداد 5 مقدمه دارد. در مورد مقدمه اول که علم اجمالی به ثبوت تکلیف است، فرمودند: این مقدمه ناتمام است زیرا علم اجمالی منحل می شود. جلسه قبل در مورد این مقدمه صحبت کردیم.

مقدمه دوم، انسداد باب علم و علمی نسبت به معظم فقه است. ایشان فرمودند باب علم منسد است ولی باب علمی منسد نیست به این دلیل «لما عرفت من حجیه خبر یوثق بصدقه» ایشان لما عرفت تعبیر می کند در حالی که در کلام مرحوم آخوند غیر از اینجا چنین مطلبی نیست. آقای جزایری در منتهی الدرایه نیز این اشکال را مطرح می کند ولی ما مقداری متفاوت تر مشکل را مطرح می کنیم.

مفاد ادله حجیت خبر، در دیدگاه مرحوم آخوند

از مجموع بحث های مرحوم آخوند در حجیت خبر استفاده می شود ایشان دو دلیل آیه نبأ و سیره عقلا را تام می دانند. به حسب ظاهر بدوی خبر عادل ثقه از کلام مرحوم آخوند استفاده می شود زیرا طبق آیه نبأ شرط عدالت در خبر معتبر می باشد وخبر عادل حجت است و خبر فاسق حجت نیست. سیره عقلا نیز حجیت خبر ثقه را اثبات می کند. مجموع این دو دلیل حجیت خبر عادل ثقه است زیرا ثقه فاسق داخل در منطوق آیه نبأ می باشد و خبر او از اعتبار ساقط است. البته مطلبی را در مورد آیه نبأ ذکر می کردیم که در کلام مرحوم آخوند نیست. ما فاسق در آیه نبأ را به معنای کاذب می دانیم نه به معنای فسق اصطلاحی. بنابراین معنا اگر کسی در آیه نبأ قائل به مفهوم باشد - که ما قائل نبودیم – مفاد آیه و سیره متحد خواهد بود. ولی ظاهر کلام مرحوم آخوند حجیت خبر ثقه ی عادل با این دو شرط است. نسبت بین ثقه و عادل عموم و خصوص من وجه است. یک شخص ممکن است ثقه باشد اما عادل نباشد و دیگری ممکن است عادل باشد اما ثقه نباشد

زیرا در وثاقت، عدالت از غیر جهت مربوط به خبر اخذ نشده است و کسی که مثلا نماز نمی خواند ولی در گفتارش مقید است اشتباه نکند و دروغ نگوید، ثقه است ولی عادل نیست. از طرف دیگر عادل غیر ضابط عادل است ولی ثقه نیست.

در نتیجه ظاهر کلام مرحوم آخوند حجیت خبر عادل ثقه می باشد و ایشان در خبر واحد، خبر موثوق الصدق را معتبر ندانسته تا ارجاع ایشان در انسداد صحیح باشد.

بله ایشان ظاهرا روایات دال بر حجیت خبر واحد را از طریق علم اجمالی به صدق برخی از آنها، حجت می دانند اما هیچ توضیحی در رابطه با مفاد روایات نداده­اند. نتیجه علم اجمالی حجیت اخص مضمونا این روایات است اما ایشان مضمون اخص را بیان نکرده­اند. پس در مورد اخبار دال بر حجیت خبر واحد، از کلام مرحوم آخوند چیزی استفاده نمی شود.

مرحوم شیخ حتی روایاتی را مانند «افیونس بن عبدالرحمن ثقه آخذ عنه معالم دینی» دال بر حجیت بیش از خبر موثوق الصدور نمی دانند. به این معنا؛ ممکن است مراد از ثقه بودن شخصی این باشد که منشاء اعتبار قول این شخص وثاقت در شخص خبر است نه وثاقت در نوع اخبار او. بنابراین یونس بن عبد الرحمن ولو در نوع اخبار ثقه است ولی وثاقت در نوع اخبار منشأ حجیت حتی در جایی که در شخص خبر وثاقت ندارد، نمی شود. گویا شیخ از این بیان حجیت خبر ثقه حال کونه ثقه فیما کان ثقه را استفاده می کند و در نتیجه وثوق به قول را معتبر می دانند و خبر موثوق الصدور را حجت می دانند.

با توضیحی می توان شبیه همین سخن را در کلام مرحوم آخوند پیاده کرد؛

کلام مرحوم شیخ در وثاقت در شخص خبر را می توان دو گونه تفسیر کرد:

1. مخبر می تواند گاه ذاتا ثقه نباشد ولی در خصوص این مورد به دلیل شهرت بر خبر، ثقه باشد. مراد از خبر ثقه، خبر شخصی است که در خصوص این مورد ثقه می باشد ولو ثقه بودنش در خصوص این مورد به قرائن خارجی اثبات شده باشد. مرحوم شیخ مکرر می فرماید: از ادله خبر یوثق بصدقه استفاده می شود به این معنا ولو خبر ثقه حجت است ولی نه خبر شخصی که الزاما به جهت صفت نفسانی به خبرش اعتماد می شود، بلکه خبر شخصی که خبرش مورد اعتماد است ولو به جهت شهرت و قرائن خارجیه دیگر که ز آنها فهمیده شود در این خبر خاص انگیزه و داعی بر کذب ندارد و مجموع نکات دیگری که به واسطه آنها می فهمیم در خصوص این خبر دروغ نگفته است.

2. وثاقت گاه به جهت صفت نفسانی شخص ثقه است که ملکه ای در او وجود دارد که مقتضی وثاقت در گفتار است و این ملکه در این خبر بروز کرده و عامل خارجی مانع این ملکه نشده است در نتیجه مخبر هم باید وصف وثاقت ذاتی را داشته باشد و هم وثاقت بالفعل نسبت به خبر را دارا باشد و اثبات وثاقت در خصوص خبر می تواند به واسطه قرئن خارجیه باشد.

ممکن است در کلام مرحوم آخوند معنای دوم را پیاده کنیم و در نتیجه ایشان هم وثاقت مخبری و هم وثاقت خبری را شرط می دانند و ممکن است مفاد سیره در نظر ایشان حجیت خبر ثقه بما هو ثقه حال کونه ثقه باشد ولو حال کونه ثقه به جهت قرائن خارجیه باشد. ولی مرحوم آخوند مطابق آیه نبأ عدالت را شرط دانستند و مصداق خبری که موثوق الصدور باشد و راوی آن خبر هم عادل باشد، بسیار کم است و نمی تواند مانع انسداد باب علمی باشد.

اما می توان با توجیه دیگری مراد ایشان را همان معنای اول دانست؛ شاید ایشان از تعلیل آیه نبأ (ان تصیبوا قوما بجهاله) استفاده کنند که علت عدم حجیت خبر فاسق در معرض اصابه قوم به جهالت بودن است و خبر ثقه ای که عادل نیست ولی وثاقت فعلیه به خبرش موجود است، خارج از تعلیل منطوق است و در مفهوم آیه داخل است و در نتیجه خبر موثوق الصدور در نظر ایشان حجت می باشد. در نتیجه مفاد کلام مرحوم آخوند تمام الموضوع بودن وثاقت بالفعل است ولو این وثاقت به جهت وصف ذاتی ثقه نباشد و به جهت وصف خارجی باشد که نتیجه آن حجیت خبر موثوق الصدور می باشد.

بنابراین امکان دارد با توضیحاتی که عرض شد مجموع فرمایشات مرحوم آخوند را به هم بازگشت داد و حجت خبر موثوق الصدق ار از کلام ایشان در بحث خبر واحد استفاده کرد ولی به هرحال کلمه لما عرفت در کلام ایشان تعبیر مناسبی نیست زیرا هیچ کجا ایشان به روشنی حجیت خبر موثوق الصدق ار بیان نکرده و بیان ما نیز همراه با توجیهات مختلف، این کلام را نتیجه داد.

انسداد باب علمی در دیدگاه مرحوم شیخ

 عمده بحث این است که آیا واقعا خبر موثوق الصدور این مقدار زیاد است که مانع انسداد باشد؟

 مرحوم شیخ در لابلای بحث انسداد، تصریح می کنند: خبر اطمینانی که اطمینان فعلی به آن وجود داشته باشد در زمان حاضر نادر است و لا ریب فی ندره هذا القسم.[[1]](#footnote-1) البته از مواضع دیگر کلام شیخ استفاده می شود اطمینان نادر نیست. احتمال دارد مرحوم شیخ خبری را که ذاتا اطمینان بخش باشد را نادر می داند ولی خبری که ولو به جهت عمل مشهور و مانند آن اطمینان بخش باشد را نادر نداند. بنابراین طبق این احتمال مرحوم شیخ ندرت خبر اطمینانی بالذات را قائل است ولی اطمینان بالعرض به جهت شهرت و قرائن دیگر را نادر نمی داند. ولی به هر حال کلمات مرحوم شیخ ابهاماتی دارد و نمی توان به صورت قطعی گفت از عبارت شیخ در وسائل استفاده می شود ایشان قائل به انسداد است. از بعضی بیانات حاج آقا استفاده می شود، ایشان شیخ را قائل به انسداد می دانند ولی از کلام ایشان چنین استفاده ای به صورت جزمی نمی شود.

تأثیر شهرت در اطمینان بخش کردن روایت

در اثبات اطمینان به واسطه عمل مشهور دو نکته مهم است؛

1. صغرویا احراز عمل مشهور به اخبار در چه حد است و چه میزان خبرهایی داریم که احراز شده مشهور به آن عمل کرده اند؟

2. آیا عمل مشهور به اخبار برای ما اطمینان بخش است؟ و آیا عمل مشهور ناشی از وجود قرائنی بر اعتماد به خبر بوده است؟

 به نظر می رسد به خصوص در مورد احراز عمل مشهور نسبت به روایت از نظر صغروی، احراز اینکه به خصوص این روایت فتوا داده اند، بسیار مشکل است. قسمت دوم هم به نظر قابل تأمل است و بر فرض احراز عمل مشهور به روایت، آیا این عمل کاشف از وجود قرینه ای است در دست آنها بوده و به دست ما نرسیده است؟ در نتیجه به نظر می رسد؛ اثبات هر دو مطلب سخت است هم صغرویا احراز عمل مشهور زیاد است و هم کبرویا که عمل مشهور منشأ اطمینان می شود. و نمی توان گفت: خبر موثوق الصدور بسیار زیاد است و بنابراین به معظم فقه وافی هستند و باب علمی منسد نیست.

انسداد علمی در دیدگاه آیت الله شبیری زنجانی

در نظرحاج آقا مسلم است که خبر موثوق الصدور زیاد نیست ولی در نظر ایشان امرِ حجیت خبر، دائر مدار اطمینان به صدور نیست. ایشان با ادله ای که اقامه می کنند، خبر عدل امامی را حجت می دانند و خبر عدل امامی هم در نظر ایشان کم نیست. البته احراز عدالت راویان، از مشکلاتی است که باید حل شود و باید حجیت قول ائمه رجالی اثبات شود تا احراز صغرای موارد خبر عادل، قابل توجه باشد. در پاسخ به این مشکل، حاج آقا قول ائمه رجال را یا اطمینان آور می دانند و یا اگر اطمینان به حد کافی نباشد، انسداد صغیر را در قول ائمه رجال، جاری می دانند و مشکلی در حجیت قول ائمه رجالی ندارند.

در نتیجه بحث حجیت قول ائمه رجال یکی از مقدمات بحث انسداد هست و حجت بودن خبر عادل یا خبر ثقه در این بحث تأثیر گذار نیست.

وجه قول به انسداد در نظر آیت الله شبیری زنجانی

اصولیون بحث انسداد علمی را صرفا در مورد صدور روایات مطرح کرده اند در حالی که عمده دلیل قول به انسداد در نظر حاج آقا، به جهت دلالت روایات است نه صدور روایات و ایشان از جهت صدور ادله را به مقدار کافی می دانند.

 دو نکته سبب قول به انسداد در نظر ایشان شده است؛

1. در نظر ایشان، عقلا تنها ظواهر اطمینانی را حجت می دانند و عقلاء ظواهر ظنیه را حجیت نمی دانند. ایشان می فرمایند: اگر انسداد در یک دایره خاصی تمام شد، انسداد صغیر ظن را حجت می کند ولی نه خصوص ظنی که از الفاظ حاصل شده باشد و ظن حاصل از الفاظ هیچ خصوصیتی برای کشف مراد ندارد. در این فرض مطلق ظن حجت است چه ظنی که از الفاظ حاصل شود و چه ظنی که از غیر الفاظ حاصل شود و اگر انسداد محکّم نباشد، اطمینان معتبر است.

2. ایشان می فرمایند: نوعا در گفتگوهایی که افراد با همدیگر دارند، اطمینان حاصل می شود و صحبت هایی که ائمه با راویان می کردند نیز برای راویان، اطمینان آور بوده است ولی کثرت روایات متعارض سبب می شود، اطمینان به ظهور برای ما حاصل نشود زیرا؛ عمده جمع هی عرفیه­ای که مطرح می شود، اطمینان بخش نیست و چون نمی توانیم دلالت های اطمینانی داشته باشیم، کار به انسداد می انجامد.

توضیح بیان حاج آقا طبق مبانی ما در جمع عرفی

نکته اول؛ علت اطمینا بخش نبودن جمع عرفی در دیگاه حاج آقا، غیر متعین جمع عرفی است. در غالب موارد هر چند ممکن است یک جمع عرفی نسبت به جمع های عرفی دیگر اظهریت داشته باشد ولی این اظهریت در حدی که منشأ اطمینان باشد، نیست.

توضیح بیشتر؛ در بسیاری از موارد، هم تصرف در هیئت امکان پذیر است و هم تصرف در ماده امکان پذیر می باشد. به عنوان نمونه – هر چند در خصوص این مثال مطلب مسلم است - اگر در روایتی الربا محرم وارد شد و در روایتی دیگر (یجوز الربا بین الوالد و ولده) آمد، می توان چند جمع داشت؛ در یک جمع (الربا محرم) را به قرینه (یجوز الربا بین الوالد و ولده) حمل بر کراهت شدیده می کنیم و در جمعی دیگر (یجوز الربا بین الوالد و ولده) را مخصص (الربا محرم) قرار می دهیم. از این نوع تصرفات که تصرف در هیئت معنا دارد و هم تصرف در ماده، بسیار زیاد است و بسیاری از اختلافات فتاوا به تفاوت در تصرف در هیئت یا ماده بازگشت دارد. وجود چند احتمال در جمع عرفی منشأ می شود در بسیاری از موارد جمع اطمینان بخش نباشد. بله مطابق مبانی مرحوم آقای خوئی و برخی دیگر، تصرف در ماده نسبت به تصرف در هیئت اولویت دارد ولی هیچ دلیلی بر آن اقامه نمی کنند. مشکل بعضی از کلمات این است که بدون هیچگونه دلیل، اصول مسلمی را برای خود مطرح می کنند و با محکم گفتن آن را اثبات می کنند.

نکته دوم؛ در جمع عرفی بیان شد: تأخیر بیان از وقت عمل مشکل عقلی دارد و ما نهایتا موارد جمع عرفی را به تصرف در ظهور دلیل باز می گردانیم و با یکی از این بیانات توجیه می کردیم؛ الف: قبل از وقت عمل روایتی دیگر وجود داشته که مفاد دلیل را روشن می کرده و آن روایت به ما نرسیده است. ب: هر چند به وسیله ظاهر حال، در مقام بیان بودن متکلم ثابت است اما دلیل دوم کشف می کند در آن دلیل در مقام بیان نبوده است. در نتیجه در دلیلی که به وسیله جمع عرفی در آن تصرف می شود باید اصلی کنار گذاشته شود یا اصل در مقام بیان بودن یا اصل حجیت ظهور و مانند آن. خب کثرت جمع عرفی این نکته رو توجه بفرمایید کاشف از این هست که بسیاری از اصولی که ما این اصول رو محکم می دانیم این اصول بسیاریشون مخالفت با واقعشون زیاده ولو این اصول رو ما حجت هم می دانیم به مناط غلبه و امثال اینها نیست یک اصل اولی هایی هست که عقلا این اصل اولی ها رو حاکم می دونند مثلا فرض کنید که یکی از اصول این هست که کلامی که از طرف ثبات گاهی اوقات ما بوسیله جمع عرفی می فهمیم که اصاله الثبات زمین خورده. آیا اصاله الثبات یک اماره است؟ یا یک اصل اولی هست. کثرت جمع عرفی این مطلب را

کشف می کند که اصاله کون المتکلم فی مقام البیان، اصاله الثبات، اصاله عدم الاطمینان علی القرینه المتصله فی بیان المراد و مانند آن، یک اماره نیست بلکه اصول عقلایی هستند که به جهت اصل عملی حجت هستند...

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله

1. فرائد الأصول ؛ ج‏1 ؛ ص443 أنّ ما حكم بطريقيّته لعلّه قسم من الأخبار ليس منه بأيدينا اليوم إلّا قليل، كأن يكون الطريق المنصوب هو الخبر المفيد للاطمئنان الفعليّ بالصدور- الذي كان كثيرا في الزمان السابق لكثرة القرائن- و لا ريب في ندرة هذا القسم في هذا الزمان، أو خبر العادل أو الثقة الثابت عدالته أو وثاقته بالقطع أو بالبيّنة الشرعيّة أو الشياع مع إفادته الظنّ الفعليّ بالحكم، و يمكن دعوى ندرة هذا القسم في هذا الزمان؛ إذ غاية الأمر أن نجد الراوي في الكتب الرجاليّة محكيّ التعديل بوسائط عديدة من مثل الكشّيّ و النجاشيّ و غيرهما، و من‏ المعلوم أنّ مثل هذا لا تعدّ بيّنة شرعيّة، و لهذا لا يعمل‏ مثله‏ في الحقوق. [↑](#footnote-ref-1)